



تجزیه و تحلیل صورتهای مالی بخش عمومی با تاکید بر دارایی ها

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی تبریز

مدیریت امور مالی - اداره حسابداری مدیریت (اموال)

پائیز 1402

مقدمه :

هدف اساسی گزارشگری مالی در بخش عمومی، کمک به این بخش برای ایفای وظیفه پاسخگویی در مقابل ملت است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق حاکمیت ملت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. طبق اصل 56 قانون اساسی، "حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است." اشخاصی که به موجب قانون توسط مردم به عنوان وکیل برای اداره جامعه انتخاب می‌شوند باید در برابر آنان پاسخگو باشند. از جمله طبق اصل 122 قانون اساسی، "رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است." گزارشگری مالی از مهم‌ترین ابزارهایی است که به مسئولین بخش عمومی به خصوص رئیس جمهور کمک می‌کند تا بتواند نحوه ایفای وظایف خود را به ویژه در زمینه تأمین منابع عمومی و مصارف آن برای خدمت‌رسانی به گونه‌ای کارا، اثربخش و با رعایت صرفه اقتصادی نشان دهد.

منابع عمومی از جمله درآمد نفت و مالیات از طریق دستگاههای اجرایی برای ارائه خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت، زیرساختها و امنیت ملی مصرف می‌شود. مسئولین دستگاههای اجرایی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به عنوان وکیل مردم عمل می‌کنند و باید در قبال مصرف بهینه این منابع به مردم پاسخگو باشند. در حال حاضر بخش محدودی از این پاسخگویی از طریق ارائه صورتحساب عملکرد بودجه سالانه کل کشور و تهیه گزارش تفریغ بودجه صورت می‌گیرد، لذا لازم است گزارشهای مالی دیگری برای انعکاس وضعیت مالی و نتایج عملکرد دستگاههای اجرایی برای ارائه به مردم و نمایندگان آنها تهیه شود. همان گونه که طبق اصل 55 قانون اساسی، گزارش تفریغ بودجه باید در دسترس عموم گذاشته شود، سایر گزارشهای مالی نیز باید برای عموم منتشر شود. انتشار گزارشهای مالی برای عموم می‌تواند به ایجاد شفافیت و افزایش اعتماد عمومی به دولت کمک کند. تمرکز اصلی مفاهیم نظری گزارشگری مالی بخش عمومی بر گزارشهای مالی با مقاصد عمومی است. به علاوه، این مفاهیم می‌تواند در تهیه گزارشهای مالی با مقاصد خاص نیز مفید باشد.

هدف گزارشگری مالی، انتقال اطلاعات به استفاده‌کنندگان است. گزارشهای مالی شامل کلیه گزارشهایی است که حاوی اطلاعات مالی باشد. علی‌رغم وجود اطلاعات زیاد در گزارشهای مالی، این گزارشها

تنها منبع اطلاعاتی درخصوص واحدهای بخش عمومی نیست و در بسیاری از موارد استفاده کنندگان جهت تأمین نیازهای اطلاعاتی خود از سایر منابع نیز استفاده می کنند.

اگر چه گزارشهای مالی اساساً با هدف ارائه اطلاعات مالی تهیه می شود اما گاه برای افزایش سودمندی این گزارشها ارائه اطلاعات غیرمالی نیز همراه با اطلاعات مالی لازم می باشد.

ماهیت گزارشگری مالی بخش عمومی:

در تعیین اهداف گزارشگری مالی درک ماهیت و ویژگیهای محیط گزارشگری، ضروری است. مهمترین ویژگیهای محیط فعالیت که بر گزارشگری مالی اثر می‌گذارد و لازم است در تعیین اهداف گزارشگری مالی واحدهای بخش عمومی بشرح زیر مورد توجه قرار گیرد:

تفکیک قوا

در نظام جمهوری اسلامی، شهروندان اختیار خود را از طریق برگزاری انتخابات به نمایندگان رسمی خود تفویض می‌کنند. به علاوه در کنار این تفویض اختیار، به منظور جلوگیری از سوء استفاده احتمالی از قدرت، طبق اصل 57 قانون اساسی قوای حاکم به قوه مجریه، قوه قضائیه و قوه مقننه زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت تفکیک شده است. این تفکیک اساساً نیاز به پاسخگویی را افزایش می‌دهد.

مسئولیت تأمین امنیت و رفاه عمومی

تأمین امنیت و رفاه عمومی شهروندان، مهم‌ترین مسئولیت دولت است و دولت در این خصوص دارای وظیفه‌ای منحصر به فرد می‌باشد. از این رو، برخلاف بخش خصوصی، در بخش عمومی برای دستیابی به این اهداف، اتخاذ تصمیمات صرفاً بر مبنای تحلیل هزینه- فایده مالی نیست. برای مثال، کشور ممکن است برای دفاع از منافع ملی وارد جنگ شود به رغم اینکه جنگ، کسری بودجه را افزایش می‌دهد.

ماهیت فرآیند سیاسی

با توجه به حجم و ماهیت برنامه‌های دولتی، ارزیابی سیاستهای اعمال شده دولت یا تأثیرگذاری بر آن توسط هر یک از شهروندان دشوار است. به همین دلیل، شهروندان برای دستیابی به این هدف به تشکیلات گروهی روی می‌آورند. طبعاً گروههای بزرگ توانایی تأثیرگذاری بیشتری دارند، هر چند پراکندگی منافع، سازماندهی آنها را دشوار می‌سازد.

ساختار تأمین منابع مالی

طبق اصل 45 قانون اساسی انفال و ثروتهای عمومی در اختیار حکومت است. علاوه بر این، دولت دارای قدرت منحصر به فرد برای دسترسی به سایر منابع مالی و تأمین وجوه است و می‌تواند مالیات اخذ

کند، وام بگیرد و پول منتشر کند. این اختیارات به دولت، امکان دخل و تصرف در ثروت کشور را می‌دهد که ذخیره‌ای انبوه اما محدود است.

سرمایه‌گذاریهای زیربنایی

دولت به منظور دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه، سرمایه‌گذاریهای زیربنایی در حوزه‌هایی مانند فناوری ارتباطات، زیرساختهای حمل و نقل، سدها و امکانات آموزشی و بهداشتی انجام می‌دهد.

در بخش عمومی همانند بخش خصوصی، انتظار می‌رود که منافع داراییها بیش از مخارج آن باشد. در بخش خصوصی، منافع اقتصادی دارایی مشخص است و در قالب جریانهای نقدی ورودی اندازه‌گیری می‌شود. همچنین داراییها تحصیل نمی‌شود مگر آنکه انتظار رود ارزش فعلی جریانهای نقدی ورودی آتی آن بیش از مخارج تحصیل و نگهداری آن باشد. در بخش عمومی معمولاً این ترتیب وجود ندارد و منافع مورد انتظار اغلب‌تر از طریق جریانهای نقدی ورودی، بلکه از طریق ارائه خدمات محقق می‌شود.

مسئولیت در برابر رسانه‌های عمومی

با توجه به اصل 24 قانون اساسی مبنی بر آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب، رسانه‌های عمومی می‌توانند بر فعالیتهای دولت نظارت داشته باشند و دولت باید مشوق چنین نظارتی باشد، زیرا رسانه‌های عمومی ابزار مؤثری برای ایفای وظیفه پاسخگویی می‌باشند.

اهمیت بودجه

بودجه شناخته‌شده‌ترین برنامه مالی دولت است که به صورت بسیار گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. بودجه، ابزاری مهم برای توافق درباره اهداف و تخصیص منابع بین اولویتهای گوناگون است و سیستمی برای کنترل مخارج فراهم می‌آورد. بودجه همچنین اطلاعات مورد نیاز برای ارزیابی آثار اقتصادی سیاستهای مالی دولت را ارائه می‌کند.

استفاده‌کنندگان اصلی گزارشهای مالی بخش عمومی

شهروندان

طبق اصل 6 قانون اساسی، "در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود..." بنابراین شهروندان به منظور ارزیابی عملکرد مسئولینی که به اتکای این آرا اداره امور کشور را به عهده می‌گیرند نیازمند اطلاعات می‌باشند. رسانه‌های عمومی، سازمانهای مردم نهاد و مراکز پژوهشی جزء این گروه از استفاده‌کنندگان محسوب می‌شوند.

شهروندان از ابعاد مختلف به عملکرد دولت توجه دارند. شهروندان، دریافت‌کننده خدمات عمومی تأمین شده از محل مالیات و سایر منابع عمومی هستند و بنابراین ستانده و پیامد آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. شهروندان نگران معیشت خانواده و همچنین نسلهای آینده هستند. شهروندان اغلب وقت و تولنایی محدودی برای تجزیه و تحلیل گزارشهای دولت دارند. آنان می‌خواهند اطمینان یابند که دولت با رعایت صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی وظایف خود را انجام می‌دهد. از آنجا که رسانه‌های خبری و گروههای حافظ منافع عمومی، به نوعی نماینده شهروندان و سازمان دهنده ایشان می‌باشند، بنابراین شهروندان خواهان اطلاعات بیشتری از آنان درباره فعالیتهای دولت هستند.

شوراها

پاسخگویی زمانی بهبود می‌یابد که این وظیفه در سطوح مختلف تقسیمات کشوری نیز صورت گیرد. شوراهای شهرستان و استان (موضوع اصل 100 قانون اساسی) از ارکان مهم پاسخگویی هستند و باید به عنوان استفاده‌کننده به نیازهای اطلاعاتی آنان توجه شود.

مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی متشکل از نمایندگان مردم است که با رأی مستقیم آنها انتخاب می‌شوند و به موجب اصل 76 قانون اساسی، حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارند. قوانین برنامه 5 ساله و بودجه سالانه کل کشور توسط مجلس تصویب می‌شود و به عنوان مهم‌ترین اسناد مالی کشور، اجرای آن توسط مجلس تحت نظارت قرار می‌گیرد. رئیس جمهور باید گزارش پیشرفت برنامه‌های 5 ساله و عملکرد سالانه دولت را به مجلس ارائه دهد. علاوه بر این، مجلس درباره عوارض و مالیاتها و نحوه انجام مخارج تصمیم‌گیری می‌کند.

مجلس در اتخاذ تصمیمات اساسی نسبت به اهداف دولت به گونه‌ای گسترده مشارکت می‌کند. این تصمیمات منجر به تصویب قوانین در پاسخ به نیازهای شهروندان و تخصیص منابع به برنامه‌های گوناگونی می‌شود که بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهروندان تأثیر دارد. این تصمیمات معمولاً با توجه به نتایج تحلیل هزینه-فایده و آثار مالی آن بر اقتصاد کشور، اتخاذ می‌شود. مجلس شورای اسلامی با توجه به وظایف مهمی که به عهده دارد از استفاده‌کنندگان اصلی گزارشهای مالی است.

رهبر

طبق بند 2 اصل 110 قانون اساسی، رهبر مسئول نظارت بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام است. اطلاعات مورد نیاز برای انجام این مسئولیت، اساساً در مورد مجموعه دولت است. رئیس جمهور در برابر رهبر مسئول است و باید اطلاعات لازم درباره عملکرد دولت را به ایشان ارائه کند.

مقامات اجرایی

این گروه متشکل از رئیس جمهور و سایر مقامات مسئول، به خصوص وزیر امور اقتصادی و دارایی و معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری است.

مقامات اجرایی، با اهداف برنامه‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت کشور و سیاستهای مربوط به تحقق این اهداف سر و کار دارند. این مقامات، مسئول اجرای طرحها و فعاليتها در چارچوب قانون بودجه می‌باشند. آنها همچنین مدیریت برنامه‌ها را به عهده دارند به گونه‌ای که عملیات با رعایت صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی انجام شود. مقامات اجرایی به منظور ایفای بهتر وظایف خود، از گزارشهای مالی استفاده می‌کنند.

نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان گزارشهای مالی با مقاصد عمومی

رعایت بودجه

طبق اصل 55 قانون اساسی، هیچ هزینه‌ای نباید از اعتبارات مصوب تجاوز کند و هر وجهی باید در محل خود به مصرف برسد. اطلاعات مربوط به اجرای این اصل از طریق گزارشهای مالی دستگاههای اجرایی و نهایتاً گزارش تفریغ بودجه ارائه می‌گردد. اطلاعات مربوط به عملکرد بودجه، استفاده‌کنندگان را کمک می‌کند تا در سیاست‌گذاریهای آینده و تخصیص منابع با آگاهی کافی عمل کنند.

استفاده‌کنندگان گزارشهای مالی به اطلاعات بودجه و نحوه اجرای آن نیاز دارند. برای مثال، به منظور ارزیابی پاسخگویی، شهروندان و نمایندگان آنها خواستار کسب اطمینان از مصرف منابع، طبق الزامات بودجه‌ای هستند. فزونی مصارف بر مبالغ بودجه‌ای ممکن است بیانگر ضعف مدیریت، بودجه‌ریزی ناکارآمد، یا شرایط غیر قابل پیش‌بینی باشد. بالعکس کمتر بودن مصارف از مبالغ بودجه‌ای ممکن است بیانگر کنترل مؤثر هزینه‌ها، کاهش کمیت و کیفیت خدمات و یا تخصیص نامناسب منابع باشد.

گزارشگری مالی به دولت برای پاسخگویی نسبت به وجوه دریافتی از محل فروش نفت، اخذ مالیات و عوارض و سایر منابع و نحوه مصرف آن در چارچوب قانون بودجه و سایر قوانین و مقررات مربوط، کمک می‌کند. دستگاههای اجرایی برای ایفای این مسئولیت، علاوه بر ارائه اطلاعات ضروری برای تهیه گزارش تفریغ بودجه، لازم است گزارشی شامل بودجه مصوب و ارقام واقعی، انحرافات آن و توجیه انحرافات، تهیه و همراه صورتهای مالی خود ارائه کنند.

ارزیابی وضعیت مالی و عملکرد مالی

گزارشهای مالی، به منظور ارزیابی وضعیت مالی و عملکرد مالی مورد استفاده واقع می‌شود. این گزارشها به ارزیابی توانایی دولت در ارائه خدمات و ایفای به موقع تعهدات کمک می‌کند. ارزیابی نتایج عملیات دوره جاری و مقایسه آن با دوره‌های قبل، اطلاعات سودمندی را برای استفاده‌کنندگان فراهم می‌سازد.

استفاده‌کنندگان به اطلاعاتی راجع به منابع مالی و بدهیهای واقعی و احتمالی دولت نیاز دارند تا بر این اساس توانایی دولت در فراهم ساختن منابع برای تسویه بدهیها را ارزیابی کنند. آنها اطلاعات

مربوط به نتایج عملیات و جریانهای نقدی را بررسی می کنند تا روندهایی را بیابند که ممکن است نشانگر میزان توانایی یا ناتوانی دولت در بازپرداخت بدهیهایش باشد. همچنین، تحلیل روندهای مذکور به استفاده کنندگان کمک می کند تا درآمدهای آتی و تخصیص آن درآمدها را پیش بینی کنند. شهروندان در ارزیابی احتمال افزایش مالیاتها یا بهای خدمات، وضعیت مالی دولت را مدنظر قرار می دهند. آنها به منشاء منابع و محل مصرف آن نیز توجه می کنند.

نمایندگان مردم در بررسی و تصویب بودجه سالانه و قوانین برنامه، نیازمند ارزیابی وضعیت مالی دولت، از جمله ساختار بدهی و منابع در دسترس می باشند. آنها بر نتایج عملیات نظارت می کنند تا از تحقق اهداف برنامه ها اطمینان حاصل کنند. مقامات قانونگذار، میزان و منشاء منابع و میزان و نوع مصارف را نیز بررسی می کنند. این اطلاعات به آنها در تصمیم گیری در مورد معقول بودن بهای خدمات، نیاز به افزایش یا کاهش مالیات، و توانایی تأمین مالی مخارج جاری و سرمایه ای کمک می کند.

به منظور ارائه تصویری شفاف از وضعیت مالی و عملکرد مالی دولت، استفاده از مبنای تعهدی اجتناب ناپذیر است. این مبنا کمک می کند که تمام داراییها و بدهیها در صورت وضعیت مالی منعکس شود و همه درآمدها و هزینه ها در دوره ای که محقق یا تحمل می شود و نه صرفاً در زمان وصول یا پرداخت وجه نقد گزارش شود.

ارزیابی کارآیی، اثربخشی و صرفه اقتصادی

استفاده کنندگان به ویژه مراجع قانونگذاری، به اطلاعاتی درخصوص کیفیت، کمیت و بهای ارائه خدمات توسط واحدهای بخش عمومی نیاز دارند. این اطلاعات، همراه با سایر اطلاعات به دست آمده، به استفاده کنندگان در ارزیابی کارآیی، اثربخشی و صرفه اقتصادی فعالیتهای بخش عمومی کمک می کند و می تواند مبنایی برای تصمیمات تأمین مالی و رأی دهی فراهم کند. نحوه ارائه چنین اطلاعاتی باید به گونه ای باشد که نه تنها مقایسه اطلاعات سالهای مختلف با یکدیگر، بلکه با دیگر کشورها را نیز امکان پذیر سازد.

سایر اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان در بخش عمومی بسیار متنوع است و ممکن است فراتر از اطلاعاتی باشد که از طریق گزارشهای مالی با مقاصد عمومی ارائه می‌شود. تشریح این گونه اطلاعات در مفاهیم نظری گزارشگری مالی امکان‌پذیر نیست ولی باید این موضوع مورد توجه قرار گیرد.

نیازهای اطلاعاتی مشترک استفاده‌کنندگان

اگر چه هر یک از گروههای استفاده‌کننده برای تحقق فرآیند پاسخگویی، تخصیص منابع و تصمیم‌گیریهای اجتماعی و سیاسی نیازمند اطلاعات خاص خود هستند اما می‌توان نیازهای مشترک اطلاعاتی این گروهها را به طور کلی مشخص کرد. این نیازهای اطلاعاتی می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- انواع و میزان منابع در دسترس برای ارائه خدمات در دوره‌های آتی؛
- میزان، منشاء و نحوه استفاده از منابع تحصیل شده طی دوره گزارشگری؛
- بهای تمام شده خدمات ارائه شده طی دوره و محل تأمین منابع آن از طریق فروش منابع طبیعی، مالیات و استقراض؛
- کارایی، اثربخشی و صرفه اقتصادی مصرف منابع و انطباق آن با بودجه‌های مصوب؛
- خدمات آتی پیش‌بینی شده از جمله اطلاعات راجع به پیش‌بینی بهای تمام شده و میزان و منشاء منابع مورد نیاز برای آن؛ و
- اطلاعات مالی و سایر اطلاعات مفید در ارزیابی پایداری عملیات و برنامه‌های دولت.

محتوای عمومی گزارشگری مالی

گزارشگری مالی باید از یک سو به دولت کمک کند تا مسئولیت پاسخگویی عمومی خود را ایفا کند و از سوی دیگر استفاده‌کنندگان را قادر سازد تا نحوه انجام مسئولیت مذکور را ارزیابی نمایند و در تصمیم‌گیری به آنها کمک کند. ارائه اطلاعات زیر برای دستیابی به این هدف ضرورت دارد:

اطلاعاتی درخصوص کفایت منابع هر سال برای مصارف همان سال؛

اطلاعاتی درخصوص اینکه آیا کسب منابع مالی و همچنین مصرف آن طبق بودجه مصوب سالانه و سایر قوانین و مقررات مربوط صورت گرفته است یا خیر؛

اطلاعات لازم برای ارزیابی نتایج حاصل از عملیات سالانه واحد گزارشگر شامل نحوه تأمین منابع و نقدینگی و مصارف آن برای فعالیتهای مختلف؛ و

اطلاعات لازم برای ارزیابی تولنایی واحد گزارشگر در تأمین کالاها و ارائه خدمات و همچنین قدرت ایفای تعهدات در سررسید. جزئیات این هدف گزارشگری به شرح زیر است:

1. اطلاعات لازم در مورد وضعیت مالی واحد گزارشگر شامل اطلاعات مربوط به داراییها و بدهیها، اعم از جاری و غیرجاری؛ و

2. افشای محدودیتهای قانونی و قراردادی حاکم بر منابع و ریسکهای مربوط به آن منابع.

محدودیتهای گزارشگری مالی

گزارشهای مالی با مقاصد عمومی فراهم کننده تمام اطلاعات لازم برای استفاده کنندگان نیست. استفاده کنندگان گزارشهای مالی با مقاصد عمومی ممکن است از سایر منابع اطلاعاتی (مانند گزارشهای وضعیت اقتصادی و نظارت بر بودجه و...) برای ارزیابی نحوه ایفای مسئولیت پاسخگویی دولت استفاده کنند.

استفاده کنندگان گزارشهای مالی بخش عمومی، متنوع می باشند و نیازهای اطلاعاتی متفاوتی دارند. در نتیجه تهیه گزارشهایی که تمام نیازهای اطلاعاتی استفاده کنندگان را تأمین نماید، غیرممکن است. از این رو، نوع و میزان اطلاعات ارائه شده در گزارشهای مالی با مقاصد عمومی باید بر مبنای نیازهای مشترک استفاده کنندگان باشد.

صورتیهای مالی با مقاصد عمومی عموماً منعکس کننده اطلاعات مالی در خصوص آثار مالی معاملات و سایر رویدادهای گذشته است. به علاوه اطلاعات یاد شده، اغلب بر مبنای برآوردها و قضاوتهای ناشی از بکارگیری قواعد خاص می باشد. ضمناً اطلاعات مندرج در گزارشهای مالی اساساً محدود به اطلاعات کمی است.

در فرایند گزارشگری مالی، تجزیه و تحلیل هزینه- فایده باید مدنظر قرار گیرد.

عده ای معتقدند که به منظور پاسخگویی، ارائه اطلاعات بلیدبدون محدودیت باشد. لذا ارائه اطلاعات مفصل به جای اینکه کمک کننده باشد، می تواند استفاده کننده را گمراه سازد.

شناخت

تعریف شناخت

اصطلاح شناخت به فرایند انعکاس یک عنصر در صورتهای مالی یک واحد گزارشگر اشاره دارد. شناخت، متضمن مشخص کردن عنوان و مبلغ پولی یک عنصر و احتساب آن مبلغ در جمع اقلام صورتهای مالی است.

معیارهای اصلی شناخت

معیارهای اصلی شناخت، به ویژگیهایی اطلاق می‌شود که هر قلم باید دارا باشد تا در صورتهای مالی منعکس گردد. این بیانیه، دو معیار را به عنوان معیارهای اصلی شناخت معرفی می‌کند. 1) یک قلم باید منطبق با تعریف یکی از عناصر صورتهای مالی باشد و 2) قابل اندازه‌گیری باشد. اصطلاح قابل اندازه‌گیری، به معنای تعیین مبلغ پولی یک عنصر با اطمینان معقول است.

هر قلم که با تعریف یک عنصر منطبق باشد، حتی اگر در صورتهای مالی نیز شناسایی نشود یک عنصر تلقی می‌گردد. برای مثال ممکن است آن قلم قابل اندازه‌گیری نباشد، یا مبلغ آن با اهمیت نباشد.

دارایی

تعریف دارایی

دارایی، منبع تحت کنترلی است که برای واحد گزارشگر دارای منافع اقتصادی و یا توان خدمت‌رسانی آتی باشد.

تعریف دارایی تنها وجود یا عدم وجود یک دارایی را مورد توجه قرار می‌دهد و نحوه اندازه‌گیری و زهان شناسایی آن را مدنظر قرار نمی‌دهد.

ویژگیهای ذاتی دارایی

تعریف دارایی از ویژگیهای ذاتی آن ناشی می‌شود. این ویژگیها در ذات دارایی‌ها است. یک منبع در صورتی که دارای دو ویژگی باشد، دارایی واحد گزارشگر محسوب می‌شود. اول اینکه، آن منبع دارای خدمات و یا منافع اقتصادی باشد که بتواند در آینده مورد استفاده قرار گیرد. دوم اینکه، خدمات و یا منافع اقتصادی حاصل از آن منبع، در تاریخ گزارشگری تحت کنترل واحد گزارشگر

باشد و در نتیجه، واحد گزارشگر توانایی دستیابی به آن خدمات و یا منافع اقتصادی و منع دیگران از دستیابی به آنها را داشته باشد.

واحد گزارشگر برای دستیابی به اهداف خود، از منابع مختلف (از جمله؛ منابع مالی، اقتصادی، انسانی و ...) بهره می‌گیرد. با این وجود، این منابع دارایی به شمار نمی‌روند مگر اینکه از ویژگیهای ذاتی دارایی برخوردار باشند.

منابع واحد گزارشگر، اغلب مشهود و قابل مبادله هستند، اما نبود این ویژگی مانع از احتساب یک منبع به عنوان دارایی نمی‌شود. به عنوان مثال در صورتی که واحد گزارشگر بتواند از منافع منابع نامشهود (مانند علائم تجاری) بهره‌مند شود و دستیابی سایر واحدها به آن منافع را منع یا کنترل نماید، آن منابع، دارایی واحد گزارشگر به شمار می‌رود. همچنین یک منبع می‌تواند دارای منافع اقتصادی باشد، حتی اگر واحد گزارشگر نتواند آن منبع را مبادله کند یا به فروش رساند. به عنوان مثال، هاشینی که هنوز می‌تواند خدمات مورد نیاز را ارائه دهد حتی اگر بازاری برای فروش آن وجود نداشته باشد، دارایی محسوب می‌شود.

خدمات و منافع اقتصادی

یکی از ویژگیهای ذاتی دارایی‌ها، توانایی ارائه خدمات یا منافع اقتصادی است. منافع اقتصادی می‌تواند منجر به جریان ورود وجوه نقد به واحد گزارشگر شود، در حالی که خدمات قابل ارائه توسط یک دارایی می‌تواند به شیوه‌های دیگری نظیر خدمت‌رسانی به عموم محقق شود. به عنوان مثال، داراییهایی مثل پارکهای عمومی، موزه‌ها، و گالریهای هنری، به صورت رایگان یا با حق الزحمه‌ای کم یا با مشارکت اختیاری فرصتهای تحقیقاتی، آموزشی و تفریحی برای عموم فراهم می‌کند.

کنترل

دومین ویژگی ذاتی یک دارایی، تحت کنترل بودن آن است. کنترل، به توانایی واحد گزارشگر در دستیابی به خدمات و یا منافع اقتصادی موجود در یک منبع و منع دستیابی دیگران (به آن خدمات و یا منافع اقتصادی) اطلاق می‌شود. در مواردی ممکن است واحد گزارشگر به طور فعال، کنترل خود را اعمال نماید. با این وجود، تا زمانی که واحد گزارشگر توانایی اعمال کنترل بر یک منبع را دارد، آن منبع به عنوان دارایی واحد گزارشگر به شمار می‌رود. واحد گزارشگر در اعمال کنترل، بسته به

ماهیت منبع موردنظر، می‌تولند منبع مربوطه را نگهداری یا مبادله کند، از آن برای تولید کالا یا ارائه خدمات استفاده کند، یا آن را برای تسویه بدهیها مورد استفاده قرار دهد.

در برخی موارد، واحد گزارشگر علی‌رغم استفاده از یک منبع، قادر به اعمال کنترل بر آن نیست زیرا نمی‌تواند دستیابی دیگران به آن منبع را محدود یا منع نماید. اینگونه منابع، دارایی واحد گزارشگر محسوب نمی‌شوند. برای مثال، بزرگراهها برای اشخاصی که از آنها استفاده می‌کنند، منافع اقتصادی فراهم می‌نماید در حالی که، این اقلام، تنها دارایی شخصی محسوب می‌شود که توان کنترل آن را داراست.

ویژگیهای ذاتی یک دارایی بیانگر این است که تولنایی واحد گزارشگر در دستیابی به خدمات یا منافع اقتصادی یک منبع، ناشی از وقوع رویدادی در گذشته است. قصد یا توانایی دولت برای تحصیل یک منبع در آینده، منجر به ایجاد یک دارایی نمی‌شود. برای منابعی که مطابق با تعریف یک دارایی هستند، واحد گزارشگر باید از قبل دستیابی به خدمات و یا منافع اقتصادی یک منبع را کسب کرده باشد و دستیابی واحدهای دیگر به آن منبع یا خدمات اقتصادی را محدود نموده باشد.

طبقه بندی دارایی ها:

داراییهای جاری

یک دارایی زمانی به عنوان دارایی جاری طبقه‌بندی می‌شود که یکی از معیارهای زیر را احراز کند:

الف . انتظار رود در چرخه عملیاتی معمول واحد گزارشگر به وجه نقد تبدیل شود یا برای فروش یا مصرف در این چرخه نگهداری شود؛

ب . اساساً به منظور داد و ستد نگهداری شود؛

پ . انتظار رود طی دوازده ماه پس از تاریخ گزارشگری به وجه نقد تبدیل شود یا به فروش یا به مصرف برسد؛ یا

ت . وجه نقدی که استفاده از آن، حداقل به مدت دوازده ماه پس از تاریخ گزارشگری، محدود نشده باشد.

داراییهایی که فاقد معیارهای بالا هستند باید به عنوان داراییهای غیرجاری طبقه‌بندی شوند.

بدهی

تعریف بدهی

بدهی، تعهد فعلی واحد گزارشگر است که ایفای آن مستلزم خروج منابع از واحد گزارشگر خواهد بود. تعریف بدهی تنها وجود یا عدم وجود یک بدهی را مورد توجه قرار می‌دهد و نحوه اندازه‌گیری و زمان شناسایی آن را مدنظر قرار نمی‌دهد.

ویژگیهای ذاتی بدهی

تعریف بدهی از ویژگیهای ذاتی آن ناشی می‌شود. بدهی واحد گزارشگر دارای دو ویژگی ذاتی است. اول اینکه، بدهی تعهد فعلی واحد گزارشگر می‌باشد. دوم اینکه، ایفای تعهد مستلزم خروج منابع از واحد گزارشگر است.

تعهد فعلی

تعهد، به معنای الزام به انجام وظیفه یا ایفای مسئولیت به شیوه‌ای مشخص است. داشتن تعهد فعلی بدین معناست که تعهد در نتیجه معاملات یا سایر رویدادهای گذشته ایجاد شده و هنوز ایفا نگردیده است. لذا قصد انجام یک کار در آینده حتی در صورت تأمین اعتبار، تعهد فعلی محسوب نمی‌شود. تعهد فعلی، زمانی ایجاد می‌شود که واحد گزارشگر به واسطه انجام عملی خاص یا وقوع رویدادی مشخص، ملزم به انتقال منابع به دیگران شده باشد.

بسیاری از تعهدات واحد گزارشگر از قوانین و شرایط قراردادها و الزامات حاکم بر آن ناشی می‌شود که دارای پشتوانه قانونی است. به عنوان مثال؛ واحد گزارشگر بابت دریافت وام، خرید نسبه داراییها، استفاده از دانش و مهارت کارکنان، و ... ملزم به ایفای تعهدات می‌باشد. با این حال، تعهد قانونی، شرط لازم برای وجود یک بدهی محسوب نمی‌شود بلکه سایر تعهدات نیز می‌تواند بیانگر وجود بدهی باشند.

ایفای تعهد

یک تعهد در صورتی می‌تواند بدهی تلقی شود که واحد گزارشگر، هیچ راهی برای جلوگیری از خروج منابع برای ایفای آن ندارد. با این وجود در مورد مبلغ و زمان ایفای تعهد ممکن است ابهام وجود

داشته باشد. این ابهامات در اندازه‌گیری بدهی مدنظر قرار می‌گیرد. شرایط یا رویدادهای تعیین کننده زمان ایفای تعهد، طبق قانون یا قرارداد بین واحد گزارشگر و واحد دیگر مشخص می‌شود. در اغلب قراردادهای، زمان ایفای تعهد مشخص است اما در برخی موارد، طرفین توافق می‌کنند که ایفای تعهد با وقوع رویدادی خاص یا بنابه درخواست دریافت کننده دارای یا خدمات انجام شود، که در این حالت زمان تسویه مشخص نیست. اگر در تاریخ گزارشگری، واحد گزارشگر و واحد دیگر، توافق یا تفاهمی در رابطه با تسویه تعهد نداشته باشند و واحد گزارشگر در تصمیم‌گیری پیرامون چگونگی تسویه تعهد آزادی عمل داشته باشد، این تعهد واجد شرایط تعریف بدهی نیست.

علاوه بر عدم اطمینان پیرامون زمان تسویه تعهد، در رابطه با مبلغ تسویه بسیاری از تعهدات نیز عدم اطمینان وجود دارد. به عنوان مثال، مبلغ موردنیاز برای تسویه تعهد، می‌تواند با توجه به وقوع یا عدم وقوع یک رویداد آتی (مانند کاهش در قیمت‌های بازار)، محتمل باشد. با این وجود، واحد گزارشگر براساس تحلیل هرگونه عوامل احتمالی تأثیرگذار بر زمان و مبلغ تسویه، متعهد به ایفای تعهد خود است. عدم اطمینان در ارتباط با مبلغ یا زمان تسویه تعهد، در اندازه‌گیری بدهی مورد توجه قرار می‌گیرد.

غالباً هویت شخصی که واحد گزارشگر در قبال آن متعهد است، در زمان شناخت بدهی مشخص می‌باشد، اما آگاهی از هویت شخص ذینفع، ویژگی ذاتی یک بدهی تلقی نمی‌شود. به عنوان مثال، ممکن است دولت یک قرارداد بلندمدت از کار افتادگی با کارکنان خود داشته باشد بدون اینکه از هویت هر یک از آنها باخبر باشد.

طبقه بندی بدهی ها:

بدهیهای جاری

49. یک بدهی زمانی به عنوان بدهی جاری طبقه‌بندی می‌شود که یکی از معیارهای زیر را احراز کند:

- الف . انتظار رود در چرخه عملیاتی معمول واحد گزارشگر تسویه شود؛
- ب . طی دوازده ماه پس از تاریخ گزارشگری تسویه شود؛ یا
- پ . واحد گزارشگر حق بی قید و شرطی برای به تعویق انداختن تسویه بدهی طی حداقل دوازده ماه پس از تاریخ گزارشگری نداشته باشد.

بدهیهایی که فاقد معیارهای بالا هستند باید به عنوان بدهیهای غیرجاری طبقه‌بندی شوند.

ارزش خالص، درآمدها و هزینه‌ها

تعریف دارایی و بدهی از ویژگیهای ذاتی آنها ناشی می‌شود، اما تعاریف مربوط به ارزش خالص، درآمد و هزینه، برگرفته از تعریف دارایی و بدهی است. از این رو، در ارزیابی این که چه اقلامی مطابق با تعریف ارزش خالص، درآمد و هزینه هستند، باید به تعریف دارایی و بدهی مراجعه کرد.

تعریف ارزش خالص

ارزش خالص، عبارت از ارزش کل داراییها منهای ارزش کل بدهیهای واحد گزارشگر است.

تعریف درآمد

درآمد عبارت است از افزایش در داراییها، کاهش در بدهیها، یا ترکیبی از هر دو که منجر به افزایش ارزش خالص طی دوره می‌شود.

تعریف درآمد، تنها وجود یا عدم وجود این عنصر را مورد توجه قرار می‌دهد و نحوه اندازه‌گیری و زمان شناسایی آن را مدنظر قرار نمی‌دهد.

تعریف هزینه

هزینه عبارت است از کاهش در داراییها، افزایش در بدهیها، یا ترکیبی از هر دو که منجر به کاهش ارزش خالص طی دوره می‌شود.

تعریف هزینه، تنها وجود یا عدم وجود این عنصر را مورد توجه قرار می‌دهد و چگونگی اندازه‌گیری و زمان شناسایی آن را مدنظر قرار نمی‌دهد.

اجزای صورتهای مالی

مجموعه کامل صورتهای مالی شامل اجزای زیر است :

* صورت وضعیت مالی؛

صورت وضعیت مالی باید حداقل حاوی اقلام اصلی زیر باشد:

الف . موجودی نقد؛

ب . سرمایه گذاریها؛

پ . دریافتنیها ؛

ت . موجودیها؛

ث . پیش پرداختها؛

ج . داراییهای نامشهود ؛

چ . داراییهای ثابت مشهود؛

ح . پرداختنیها

خ . تسهیلات مالی؛

د . پیش دریافتها؛

ذ . ذخایر؛ و

ر . ارزش خالص.

علاوه بر موارد مندرج در بند قبل، ممکن است به موجب سایر استانداردهای حسابداری بخش عمومی، ارائه اقلام اصلی دیگری در صورت وضعیت مالی الزامی باشد یا برای درک بهتر وضعیت مالی واحد گزارشگر مناسب باشد.

* صورت تغییرات در وضعیت مالی؛

صورت تغییرات در وضعیت مالی باید حداقل حاوی اقلام اصلی زیر باشد:

الف . دریافتی از محل منابع عمومی؛

ب . درآمدهای اختصاصی ؛

پ . کمکهای بلاعوض

ت . انتقال از/به سایر واحدها؛

ث . سایر درآمدها؛

ج . هزینه ها ؛

چ . مازاد (کسری) ؛ و

ح . درآمدهای شناسایی شده به نمایندگی از دولت.

علاوه بر موارد بالا، ممکن است به موجب سایر استانداردهای حسابداری بخش عمومی، ارائه اقلام اصلی دیگری در صورت تغییرات در وضعیت مالی الزامی باشد یا برای ارائه تغییرات در وضعیت مالی واحد گزارشگر به نحو مطلوب ضرورت داشته باشد.

*** صورت تغییرات در ارزش خالص؛**

واحد گزارشگر باید اطلاعات زیر را در صورت تغییرات در ارزش خالص ارائه کند:

الف. مازاد (کسری) دوره؛

ب . درآمدها و هزینه‌هایی که شناسایی آنها به طور مستقیم در ارزش خالص به موجب قانون یا سایر استانداردهای حسابداری بخش عمومی الزامی شده باشد؛ و

پ . اثرات ناشی از تغییر در رویه‌های حسابداری و اصلاح اشتباهات طبق استاندارد حسابداری همچنین، واحد گزارشگر باید در صورت تغییرات در ارزش خالص یا یادداشتهای توضیحی، مانده ابتدا و پایان دوره هر یک از اقلام ارزش خالص و تغییرات آنها طی دوره را توضیحی افشا کند.

*** صورت مقایسه بودجه و عملکرد؛**

*** یادداشتهای توضیحی که شامل خلاصه‌ای از اهم رویه‌های حسابداری و سایر یادداشتهای توضیحی است.**

*** ارائه صورت جریان وجوه نقد در واحدهای گزارشگر مشمول استانداردهای حسابداری بخش عمومی، اختیاری است.**

صورت‌های مالی باید وضعیت مالی و تغییرات در وضعیت مالی واحد گزارشگر را به نحو مطلوب ارائه کند. تقریباً در تمام شرایط، اعمال مناسب الزامات استانداردهای حسابداری بخش عمومی همراه با افشای اطلاعات اضافی در صورت لزوم، منجر به ارائه صورت‌های مالی به نحو مطلوب می‌شود.

هر واحد گزارشگر که صورت‌های مالی آن طبق استانداردهای حسابداری بخش عمومی تهیه و ارائه می‌شود، باید این واقعیت را افشا کند. در صورت‌های مالی نباید ذکر کرد که این صورت‌ها طبق استانداردهای حسابداری بخش عمومی تهیه شده است، مگر اینکه در تهیه صورت‌های مزبور مفاد تمام الزامات مندرج در استانداردهای مربوط رعایت شده باشد.

به منظور ارائه مطلوب صورت‌های مالی، واحد گزارشگر ملزم به رعایت موارد زیر است:

- الف. انتخاب و بکارگیری رویه‌های حسابداری مطابق استاندارد حسابداری بخش عمومی
- ب. ارائه اطلاعات به گونه‌ای که اطلاعات، مربوط، قابل اتکا، قابل مقایسه و قابل فهم باشد؛ و
- پ. ارائه اطلاعات اضافی در صورت کافی نبودن اطلاعات ارائه شده بر مبنای استانداردهای حسابداری بخش عمومی برای درک بهتر اثر معاملات یا سایر رویدادهای خاص.

تجزیه و تحلیل صورتهای مالی:

انتخاب ارقام و اطلاعات، مقایسه و تعیین رابطه بین آنها و ارزیابی حاصل از آن را تجزیه و تحلیل مالی می نامند. بنابراین، مرحله اول انتخاب ارقام و اطلاعاتی است که بررسی و تفسیر آنها اخذ تصمیم امکان پذیر شود. مرحله دوم مقایسه و تنظیم و مشخص کردن روابط بین ارقام بالاخره مرحله سوم تفسیر و ارزیابی نتایج حاصل از مرحله دوم است.

در صورتهای مالی داد و ستدها و ارقام منعکس در حسابها تلخیص و طبقه بندی می شوند تا بررسی فعالیتهاى واحد تجارى امکان پذیر و ارزیابی آسان گردد. از این رو، تجزیه و تحلیل مالی کمتر به شمارش و محاسبه مانده حسابها می پردازد و عملاً هنگامی شروع می شود که این امور انجام و پایان یافته صورتهای مالی تنظیم شده باشند.

باید توجه داشت که صورتهای مالی خلاصه معاملات و کارهای انجام شده را نشان می دهد و اساساً به گذشته مربوط می شود در حالی که تصمیم گیری درباره مسائلی که پیش می آید به آینده ارتباط پیدا می کند. در تجزیه و تحلیل مالی فرض بر این است که گذشته زمینه ساز آینده می شود و به این ترتیب نتیجه کوششها و تجارب گذشته که در صورتهای مالی منعکس است مبنای بررسی واقع و نتایج به دست آمده راهنمای اخذ تصمیم نسبت به آینده قرار می گیرد و این نکته ای است که می باید همیشه و به هنگام اظهارنظر مورد توجه تحلیل گر باشد.

تجزیه و تحلیل مقایسه ای روندها (افقی)

تجزیه و تحلیل افقی بررسی روند حسابها طی دو یا چند دوره مختلف می باشد. تجزیه و تحلیل افقی از طریق محاسبه درصد تغییر و یا در صورتی که دوره بررسی بیش از دو دوره باشد از طریق محاسبه شاخص بدست می آید. هرچقدر دوره های زیادی درگیر باشند، نتیجه گیری بهتری از وضعیت مالی می توان گرفت. در صورتی که اطلاعات یا صورتهای مالی برای بیش از دو دوره مورد بررسی قرار گیرد، برای قبال ملموس بودن نتایج بدست آمده روند نسبت به سال پایه ارائه می شود. بدین صورت که به سال پایه درصد 100 داده می شود و سپس روند بقیه سالها نسبت به سال پایه بررسی می شود.

تجزیه و تحلیل درونی (عمودی)

در تجزیه و تحلیل عمودی، با بررسی وضعیت موجود بین حسابهای یک صورت مالی و مقایسه آن با وضعیت سازمان های مشابه، وضعیت سازمان ارزیابی می شود. مشابه تجزیه و تحلیل افقی، تجزیه و تحلیل عمودی نیز پایان ارزیابی نیست، تحلیلگر مالی باید با استفاده از آنها مشکلات سازمان و فرصتهای موجود را تشخیص و مورد بررسی قرار داده و راه حل مقتضی را ارائه نماید. در تجزیه و تحلیل عمودی یک قلم مهم در صورت مالی مورد بررسی، به عنوان پایه قرار می گیرد و سایر اقلام آن صورت نسبت به آن قلم بررسی و مورد مقایسه قرار می گیرند. با استفاده همزمان از تجزیه و تحلیل افقی و عمودی می توان وضعیت مالی و نتایج عملیات را به نحو مطلوب تحلیل کرد.

تجزیه و تحلیل عمودی صورت وضعیت دانشگاه علوم پزشکی ...								
1401		1400		1399		1398		اقدام ترازنامه
درصد	میلیون ریال	درصد	میلیون ریال	درصد	میلیون ریال	درصد	میلیون ریال	
داراییهای جاری:								
5/29%	209,701	0/73%	19,647	1/58%	40,764	0/68%	14,604	موجودی نقد
1/04%	41,337	1/54%	41,337	1/80%	46,337	1/92%	41,337	سرمایه گذارهای کوتاه مدت
41/35%	1,638,161	34/53%	928,990	39/73%	1,025,049	29/24%	631,080	حسابها و اسناد دریافتنی عملیات مبادله ای
0/00%	0	1/18%	31,695	0/94%	24,134	1/13%	24,462	حسابها و اسناد دریافتنی عملیات غیر مبادله ای
25/85%	1,024,318	27/72%	745,893	27/52%	710,155	30/18%	651,300	موجودی مواد و کالا
2/69%	106,626	6/99%	187,958	6/90%	178,155	15/80%	340,927	پیش پرداختها
76/23%	3,020,143	72/68%	1,955,520	78/47%	2,024,594	78/94%	1,703,710	جمع داراییهای جاری
داراییهای غیر جاری:								
0/76%	30,193	1/12%	30,193	1/17%	30,193	0/01%	193	سرمایه گذارهای بلندمدت
16/40%	649,661	22/28%	599,458	20/29%	523,434	20/98%	452,879	داراییهای ثابت مشهود
0/09%	3,614	0/12%	3,102	0/08%	2,016	0/07%	1,544	داراییهای نامشهود
6/52%	258,393	3/80%	102,193	0/00%	0	0/00%	0	سایر داراییها
23/77%	941,861	27/32%	734,946	21/53%	555,643	21/06%	454,616	جمع داراییهای غیر جاری
100/00%	3,962,004	100/00%	2,690,466	100/00%	2,580,237	100/00%	2,158,326	جمع داراییها
بدهی های جاری:								
8/07%	319,677	5/56%	149,707	5/15%	132,780	4/64%	100,162	حسابها و اسناد پرداختنی عملیات مبادله ای
0/00%	0	12/03%	323,728	14/59%	376,529	22/31%	481,599	حسابها و اسناد پرداختنی عملیات غیرمبادله ای
0/06%	2,398	0/08%	2,066	7/36%	189,996	0/00%	0	پیش دریافتها
4/64%	183,930	0/00%	0	0/00%	0	0/00%	0	ذخایر
61/78%	506005	70/31%	475.501	81/20%	699.305	81/31%	581.761	جمع بدهی های جاری
بدهی های غیر جاری:								
0/27%	10,586	1/95%	52,586	0/00%	0	0/00%	0	حسابها و اسناد پرداختنی بلند مدت
2/45%	96,956	2/52%	67,685	1/87%	48,123	1/48%	31,920	ذخیره مزایای پایان خدمت کارکنان
2/71%	107,542	4/47%	120,271	1/87%	48,123	1/48%	31,920	جمع بدهی های غیر جاری
64/50%	2,555,407	74/78%	2,011,959	83/07%	2,143,364	82/79%	1,786,868	جمع بدهی ها
حقوق صاحبان سهام:								
9/33%	369,600	6/24%	168,000	6/51%	168,000	7/78%	168,000	سرمایه
100%	715,468	0	0	0	0	0	0	سود انباشته
35/50%	1,406,595	25/22%	678,507	16/93%	436,873	17/21%	371,458	جمع ارزش خالص
100/00%	3,962,002	100/00%	2,690,466	100/00%	2,580,237	100/00%	2,158,326	جمع بدهی ها و ارزش خالص

تجزیه و تحلیل نسبتها

صورت وضعیت مالی، وضعیت مالی شرکت را در یک تاریخ معین و صورت تغییرات در وضعیت مالی، نتایج عملیات را در طی یک دوره مالی، به نمایش می گذارد. بین صورت تغییرات در وضعیت مالی و صورت وضعیت مالی، روابطی وجود دارد که تجزیه و تحلیل های افقی و عمودی به دلیل تأکید بر یک حساب یا مجموعه ای از اقلام در یک صورت مالی، آن را نشان نمی دهند. تجزیه و تحلیلی که این روابط را نشان می دهد تجزیه و تحلیل نسبتها نامیده می شود. در امور مالی هر نوع تحلیلی از اهداف خاصی برای تحلیلگران برخوردار است برای مثال بانک به عنوان یک تحلیلگر توجه به بدهیهای کوتاه مدت و وضعیت نقدینگی سازمان دارد. در تجزیه و تحلیل نسبتها، ارقام حسابهای مختلف با یکدیگر بررسی می شوند که این نسبتها را می توان به پنج دسته عمده تقسیم بندی نمود:

1- نسبتهای نقدینگی

2- نسبتهای فعالیت

3- نسبتهای اهرمی

4- نسبت های عملکرد

5- نسبتهای ارزش بازار

نسبتهای نقدینگی

نسبتهای نقدینگی یکی از نسبتهای مهم در تجزیه و تحلیل های مالی است که برای ارزیابی توانایی سازمان ها برای باز پرداخت تعهدات کوتاه مدت به کار می روند. و از طریق این نسبتها می توان به موفقیت نقدی کنونی سازمان و قابلیت آن پی برد. هرچقدر این نسبت از مرتبه بالاتری برخوردار باشد توانایی سازمان در انجام تعهدات کوتاه مدتش بیشتر می شود. این نسبت به عنوان یک نسبت ناخالص تلقی می شود زیرا این نسبت، تک تک اقلام داراییهای جاری به بدهی های جاری را نشان نمی دهد بلکه به مجموع این اقلام توجه دارد. تحلیل نقدینگی بویژه برای اعتبار دهندگان اهمیت خاصی دارد، زیرا اگر وضعیت نقدینگی ضعیف باشد، ممکن است سازمان نتواند بموقع اصل و بهره بدهی های خود را پرداخت کند. نسبتهای نقدینگی با ارقام تاریخ صورت وضعیت مالی محاسبه می شوند، بنابر این

مدیریت باید جریانهای نقدی مورد انتظار آتی را نیز مورد توجه قرار دهد، زیرا در صورتی که جریانهای نقدی خروجی مورد انتظار در آینده بیشتر از جریان نقدی ورودی باشد وضعیت نقدینگی سازمان بدتر خواهد شد. معیارها و نسبتهای این دسته عبارتند از: نسبت جاری و نسبت آنی (سریع)

نسبت جاری حاصل تقسیم داراییهای جاری بر بدهیهای جاری است که به منظور ارزیابی توانایی سازمان در پرداخت بدهیهای جاری از محل داراییهای جاری بکار می رود. این نسبت تحت تاثیر نوسانات مقطعی قرار می گیرد. و یکی دیگر از محدودیتهای این نسبت آن است که می تواند قبل از بروز مشکلات مالی افزایش یابد. محدودیت دیگر این نسبت آن است که با تغییر برخی از روشهای حسابداری نظیر تغییر در روش ارزیابی موجودی کالا، این نسبت تغییر می کند.

نسبت آنی آزمون دقیق تر نقدینگی سازمان است و از تقسیم داراییهای آنی (وجه نقد، سرمایه گذاریهای کوتاه مدت و حسابها و اسناد مبادله ای و غیرمبادله ای) بر بدهیهای جاری بدست می آید.

نسبتهای فعالیت (استفاده از داراییها)

نسبتهای فعالیت میزان کاربرد موثر داراییها و مصرف بهینه منابع مالی در اختیار سازمان را اندازه گیری می کند. داراییها برای تحقق درآمد به کار گرفته می شوند بنابراین هر حسابی از دارایی برای ایجاد درآمد، نقشی اساسی دارد. برای مثال وجود موجودی کالا موجب انجام خدمات و نبود آن منجر به عدم ارائه خدمات مطلوب می شود. نسبتهای فعالیت، میزان مشارکت حسابها در تحقق درآمد را نشان می دهد. نسبتهای این بخش عبارتند از: نسبت گردش حسابهای دریافتنی، متوسط دوره وصول مطالبات، دوره عملیات (روز) و نسبت گردش مجموع داراییها.

نسبت گردش حسابهای دریافتنی، تعداد دفعات وصول مطالبات را در طی سال نشان می دهد و از تقسیم خالص درآمد تحقق یافته دریافت نشده به متوسط حسابهای دریافتنی بدست می آید. به طور کلی هرچقدر این نسبت بیشتر باشد بهتر است زیرا نشان می دهد که سازمان مطالبات خود را سریعتر وصول کرده و می تواند حاصل را مجدداً سرمایه گذاری کند. با این وجود بالا بودن بیش از حد این نسبت می تواند نشانه سیاست اعتباری بسیار سخت شرکت باشد.

متوسط دوره وصول مطالبات نشانگر این موضوع است که چند روز برای وصول وجوه حاصل از خدمات ارائه شده نسبه طول می کشد. این عدد از حاصل تقسیم تعداد روزهای دوره (365 برای سال) بر نسبت گردش حسابهای دریافتنی مبادله ای بدست می آید.

نسبت گردش موجودی کالا : سازمانی که بیش از حد موجودی مواد و کالا نگهداری می کند ، در واقع وجوهی را که می توانست به صورت دیگری سرمایه گذاری شود در موجودی کالا بلوکه کرده است. بعلاوه نگهداری بیش از حد موجودی مستلزم صرف هزینه های بالای انبار داری و تحمل ریسک های ناباب شدن و فاسد شدن ، می باشد. این نسبت از تقسیم قیمت تمام شده اقلام فروش رفته بر متوسط موجودی کالا بدست می آید .

دوره عملیات (روز) یک سازمان، تعداد روزهایی است که موجودی کالا و مطالبات آن به وجه نقد تبدیل می شود ، طبعاً دوره عملیات کوتاهتر برای شرکت مطلوب تر خواهد بود. این عدد از حاصل جمع دوره وصول مطالبات و دوره گردش موجودی کالا به دست می آید.

نسبت گردش مجموع داراییها به منظور سنجش توانایی بکارگیری موثر داراییها مورد استفاده قرار می گیرد. پایین بودن این نسبت می تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد که تعیین آنها اهمیت دارد. این نسبت از تقسیم درآمد تحقق یافته بر متوسط مجموع داراییها بدست می آید.

نسبتهای اهرمی (توانایی پرداخت بدهیها)

این نسبتهای وجوهی که به طرق مختلف تامین گردیده و یا وجوهی را که به صورت وام در جهت سرمایه گذاری از طلبکاران سازمان تامین شده ، با هم مقایسه کرده و نسبت آنها را اندازه گیری می کند. در واقع نسبتهای اهرمی نشان دهنده میزان استفاده از بدهی ها در ساختار و تامین مالی سازمان است . این نسبتهای نشان می دهد که سازمان تا چه حد قادر به پرداخت بدهیهای خود در سررسید می باشد. در این راستا ارکان راهبری سازمان باید ترکیب مناسبی از نسبت بدهی استفاده کند ، که باعث افزایش ریسک بالقوه نشود. در این بخش به بررسی نسبت بدهی ، نسبت بدهی به ارزش خالص و دفعات تحصیل هزینه بهره ، پرداخته شده است.

نسبت بدهی ، مجموع بدهیها را نسبت به مجموع داراییها ارزیابی می کند. این نسبت درصد وجوهی را نشان میدهد که از طریق بدهیها تامین شده است. اگر بازده حاصل از آن بیشتر از هزینه بدهی باشد ، استفاده از اهرم به نفع سازمان است ولی اعتبار دهندگان نسبت بدهی پایین را ترجیح می دهند زیرا در این صورت ریسک کمتری متوجه آنها است. این نسبت نشان می دهد که سازمان تا چه حد توانسته است از وجوه دریافتی، در پروسه عملیات خود استفاده کند.

نسبت بدهی به ارزش خالص نشان می دهد که در مقایسه با وجوهی که از طریق فعالیت سازمان تامین شده ، چقدر از منابع مالی توسط بدهی تامین شده است. این نسبت معیار مهمی از توانایی پرداخت بدهیهاست زیرا بالا بودن میزان بدهیها در ساختمان سرمایه ، می تواند مشکلاتی را برای پرداخت بهره ها و اصل بدهی در سررسید فراهم آورد . بالا بودن بدهی سازمان در شرایط نامساعد ، ریسک تحصیل وجوه را نیز افزایش می دهد. بعلاوه در صورتی که بدهی بیش از حد بالا باشد، به دلیل افزایش مشکلات تامین مالی ، انعطاف پذیری مالی سازمان ، خصوصاً در شرایط نامساعد، کاهش می یابد.

دفعات تحصیل هزینه بهره (نسبت پوشش هزینه های بهره) تعداد دفعاتی را نشان می دهد که خالص تغییرات در وضعیت مالی، می تواند هزینه های بهره را پوشش دهد. این نسبت معیاری از حاشیه ایمنی است و نشان می دهد که تا چه حد سازمان می تواند کاهش در خالص تغییرات در وضعیت مالی را تحمل کند. بالا بودن نسبت پوشش بهره نشان دهنده آن است که سازمان در پرداخت هزینه بهره مشکلی ندارد و پایین بودن آن بیانگر آن است که اعتبار دهندگان در دریافت بهره در سررسید با ریسک بیشتری مواجه خواهند بود در نتیجه سازمان ممکن است برای دریافت واحدهای جدید با مشکلاتی مواجه گردد. نرخ پوشش بهره زیر 1 نشان می دهد، سازمان نتوانسته درآمد مناسبی را در جهت جبران هزینه بهره کسب کند.

نمونه تجزیه و تحلیل نسبتهای مالی:

تجزیه و تحلیل نسبت های مالی دانشگاه علوم پزشکی ...

ارزایی روند سال به سال				نرخ				مبنای نرخ	نوعه محاسبه	نسبت های نقدینگی
۴۰۰ به ۴۰۱	۹۹ به ۴۰۰	۹۸ به ۹۹	۱۴۰۱	۱۴۰۰	۱۳۹۹	۱۳۹۸				
بهبود	بهبود جزئی	بدون تغییر	۱/۲۳	۱/۰۳	۰/۹۷	۰/۹۷		برابر	بهی های جاری / داراییهای جاری	نسبت جاری
بهبود چشم گیر	تضعیف جزئی	بهبود	۷۷/۱۸٪	۵۴/۰۱٪	۵۴/۲۳٪	۴۰/۵۴٪		درصد	بهی جاری / (موجودی کالا - پیش پرداختها - داراییهای جاری)	نسبت آتی
										نسبت های فعالیت
بهبود	بهبود	تضعیف کلی	۷/۳۲	۷/۱۸	۱/۷۴	۷/۴۳		مؤدیه	نسبت گردش حسابهای دریافتی / خالص درآمد تحقق یافته دریافت کنند	نسبت گردش حسابهای دریافتی
بهبود	بهبود	تضعیف	۱۵۷/۴۷	۱۶۷/۱۱	۲۱۰/۳۰	۱۵۰/۰۴		روز	گردش حسابهای دریافتی / ۳۶۵	متوسط دوره وصول مطالبات
بدون تغییر	بهبود	تضعیف	۱/۳۴	۱/۳۴	۱/۱۵	۱/۲۷		مؤدیه	متوسط موجودی کالا / قیمت تمام شده اقلام فروش رفته	گردش موجودی کالا
بدون تغییر	بهبود	تضعیف	۲۷۳/۲۴	۲۷۳/۲۷	۳۱۶/۹۲	۲۸۸/۱۰		روز	نسبت گردش کالا / ۳۶۵	نسبت گردش موجودی کالا
بهبود	بهبود	تضعیف	۴۳۰/۷۱	۴۴۰/۳۸	۵۳۷/۲۲	۴۳۸/۱۴		روز	دوره گردش کالا + دوره وصول مطالبات	دوره عملیات (روز)
بهبود	بهبود	تضعیف	۰/۵۷	۰/۵۵	۰/۴۰	۰/۴۵		مؤدیه	متوسط مجموع داراییها / درآمد تحقق یافته	نسبت گردش مجموع داراییها
										نسبت های اهرمی
تضعیف	تضعیف	بهبود	۶۴/۵۰٪	۷۴/۷۸٪	۸۳/۰۷٪	۸۲/۷۹٪		درصد	مجموع داراییها / مجموع بهی ها	نسبت بهی
بهبود چشم گیر	بهبود چشم گیر	تضعیف	۱/۸۲	۷/۹۷	۴/۹۱	۴/۸۱		درصد	ارزش خالص / مجموع بهی ها	نسبت بهی به ارزش خالص
بهبود چشم گیر	بهبود	تضعیف	۷/۸۲	۷/۰۸	۱/۳۳	۷/۲۲		مؤدیه	هزینه بهره / خالص تغییرات در وضعیت مالی	دفعات تحویل هزینه بهره

نسبتهای عملکرد

این نسبتهای که فعالیت کلی سازمان را از طریق احتساب درآمد حاصل از ارائه خدمات و سرمایه گذاری را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد ، به طور کلی مبین کارایی عملیات سازمان هستند. این نسبتهای نحوه عملکرد سازمان را در یک دوره نشان می دهند. توانایی تحصیل درآمد و بازده کافی سرمایه گذاری ، معیار سلامت مالی و مدیریت موثر سازمان است. معمولاً سرمایه گذاران مایل نیستند در سازمان هایی که توانایی درآمدزایی ضعیفی دارند سرمایه گذاری کنند ، زیرا درآمدزایی ضعیف ، بر توانایی مالی سازمان تاثیر منفی دارد. برخی از نسبتهای مهمی که در این بخش محاسبه و تحلیل شده است عبارتند از : بازده مجموع داراییها و بازده بر مبنای ارزش خالص.

بازده مجموع داراییها (ROA) میزان درآمد سازمان نسبت به کل داراییهای به کار گرفته شده را نشان می دهد. این نسبت ، میزان کارایی مدیریت را در کاربرد منابع موجود در جهت تحصیل درآمد نشان می دهد . بازده مجموع داراییها را از طریق افزایش در درآمد کسب شده و یا گردش در داراییها افزایش داد .

بازده بر مبنای ارزش خالص (ROE) بازده سازمان از محل منابع متعلق به سازمان را نشان می دهد که از طریق تقسیم درآمدهای تحقق یافته به ارزش خالص بدست می آید.

تجزیه و تحلیل صورت جریان وجه نقد

سازمان ها ، وجوه نقد خود را به منظور تحصیل وجه نقد بیشتر سرمایه گذاری می کنند و ایجاد جریان نقدی مثبت یکی از عوامل موثر بر کارایی سازمان است. صورت جریان نقدی به عنوان یکی از صورتهای مالی اساسی ، جریان نقدی سازمان را طی یک دوره زمانی مشخص نشان می دهد. این صورت ، اطلاعاتی در باره دریافتهای و پرداختهای نقدی برحسب فعالیتهای عملیاتی ، سرمایه گذاری و تامین مالی ارائه می کند و می تواند در ارزیابی توانایی سازمان در تحصیل جریانهای نقدی مثبت در آینده یاری رسانیده و نیاز سازمان به منابع مالی خارج از سازمان و دلایل اختلاف بین عملکرد و جریان نقدی عملیاتی را تبیین کند. صورت جریان نقدی به عنوان پر کننده یک نقطه خالی در صورت های مالی اساسی محسوب می شود و باعث می شود تا انعطاف پذیری اطلاعات سازمان بالا رود و با ارزیابی

این صورت مالی ما می توانیم انعطاف پذیری و قدرت سازمان در استفاده از فرصت‌های سرمایه گذاری سازمان را ارزیابی نماییم .

جریان‌ات نقد آزاد (FCF) :

جریان نقدی آزاد یا همان **free cash flow** که به اختصار با عبارت **FCF** شناخته می شود، جریان نقدی است که سازمان پس از خروج وجه نقد و برای پوشش عملیات جاری و حفظ دارایی های خود در اختیار دارد. در واقع سازمان ها، از این وجوه برای توسعه و گسترش کسب و کار خود، افزایش درآمد و پرداخت بدهی ها استفاده می کنند. به طور کلی، این مفهوم را می توان به 2 دسته ورودی و خروجی تقسیم کرد که در ادامه به بررسی آن ها می پردازیم.

جریان نقدی آزاد ورودی

جریان آزاد نقدی ورودی، تمام وجوه نقدی است که وارد یک سازمان می شود . سود حاصل از فروش یک دارایی، سود سپرده ها، فروش یک محصول و... همگی بخشی از این دسته هستند. این ورودی ها در واقع وجوه نقد حاصل از عملیات صورت گرفته است.

جریان نقدی آزاد خروجی

جریان آزاد نقدی خروجی نیز مشخصاً تمام وجوه نقدی است که از سازمان خارج می شود. فرض کنید که یک سازمان برای ارائه خدمات بهینه نیاز به موجودی کالا و مواد دارد؛ پولی که برای تهیه آن صرف می شود، به عنوان وجوه نقد آزاد خروجی به حساب می آید. به این موارد هزینه سرمایه ای نیز گفته می شود.

نحوه محاسبه جریان آزاد نقدی یا FCF

نحوه محاسبه جریان آزاد نقدی به قرار زیر است:

هزینه‌های سرمایه‌ای - جریان نقدی حاصل از عملیات = جریان آزاد نقدی

بازده جریان نقدی آزاد از تقسیم جریان نقدی آزاد بر ارزش خالص قابل اندازه گیری است.

هزینه بدهی

هزینه تامین مالی به عاملی برای تصمیم گیری در مورد نحوه تامین مالی تبدیل می شود: بدهی، ارزش خالص یا ترکیبی از این دو. سازمانها در مراحل اولیه به ندرت دارایی های قابل توجهی برای وثیقه برای وام ها دارند، بنابراین تامین مالی از سایر طرق به روش پیش فرض تامین مالی تبدیل می شود. اما سایر سازمان ها اغلب برای تامین مالی منابع مورد نیاز، از روش استقراض استفاده می کنند که دارای هزینه هایی برای سازمان می باشد.

هزینه بدهی صرفاً نرخ بهره ای است که شرکت برای بدهی خود پرداخت می کند و به صورت زیر محاسبه می شود:

$$\text{هزینه بهره} = \frac{\text{هزینه بهره}}{\text{کل بدهی}}$$

نقطه سر به سر

نقطه سر به سر (Break-Even Point) به معنای نقطه ای است که در آن مجموع هزینه ها با مجموع درآمدها برابر می شود. با محاسبه نقطه سر به سر می توانید اهداف درآمدی خود را تعیین نمایید.

نقطه سر به سرجایی (نقطه ای) است که در آن درآمد سازمان برابر کل هزینه های آن می باشد. یعنی در آن نقطه عملکرد سازمان در نقطه صفر می باشد.

تجزیه و تحلیل نقطه سر به سر

یکی از راههای برنامه ریزی برای عملکرد بهینه، نقطه سر به سراست. نقطه سر به سر به مدیریت می گوید که در کجا قرارداد دارد و چه باید بکند؟ نقطه سر به سر به مدیر می گوید که آیا درآمد سازمان کفاف هزینه ها را میکند یا خیر؟ در نقطه سر به سر مشخص میشود چگونه با تغییر برخی از مولفه ها نظیر هزینه، حجم خدمات و قیمت خدمات سازمان تغییر میکند.

مدل نقطه سر به سر

مدل نقطه سر به سر یک مدل ترسیمی (نمودار تجزیه و تحلیل) و ریاضی است که بسیار ساده میباشد.

نقطه سر به سر مدلی است که رابطه میان میزان، حجم تولید، هزینه و درآمد ناشی از آن را در سازمان نشان میدهد. رابطه مذکور به هر دو طریق قابل بیان است.

در مدل نقطه سر به سر با دو متغیر کلی درآمد و هزینه روبه روهستیم که هزینه به دو نوع متغیر و ثابت تقسیم میشوند.

هزینه ثابت چیست؟

هزینه ثابت، شامل هزینه هایی است که بدون توجه به تولید همواره وجود دارند و ثابت هستند مانند اجاره و..

هزینه متغیر چیست؟

هزینه متغیر، شامل هزینه‌هایی است که مستقیماً تحت تاثیر میزان خدمات ارائه شده است. همچنین به مجموع هزینه ثابت و متغیر هزینه کل میگویند.

در مدل نقطه سربه سر، این امکان را داریم تا دریابیم در چه نقطه‌ای از خدمات ارائه شده، درآمدها با هزینه‌ها برابرند.

به کمک نمودار تجزیه و تحلیل نقطه سربه سر مدیر میتواند نسبت به ارائه خدمات مختلف و یا میزان ارائه یک خدمت خاص تصمیم بگیرد.

